

۱۶۴.۲۳۳  
۹۸/۱/۲۷

...بناشود...



# قشدرک دعا می‌کنه شکر خدا می‌کنه

نام: \_\_\_\_\_

نام خانوادگی: \_\_\_\_\_

نام خانه‌ی کودک: \_\_\_\_\_

نام مربی: \_\_\_\_\_

شماره‌ی تلفن: \_\_\_\_\_



طراحی شود که اصل احساس نیاز به دین را برای کودک زنده کند؛ تا در یاد بدون تکیه بر دین و اعتقادات دینی زندگی او خلأ بزرگی دارد و از معنا و جهت تهی است. او باید بیاموزد دین گرهای زندگی را می‌گشاید و انسان را از سردرگمی‌ها نجات می‌دهد و به شخصی فعال و هدفمند و مفید در زندگی تبدیل می‌کند. در نتیجه این مفاهیم به‌منزله‌ی پاسخ‌هایی به نیازهای کودک درونی می‌شود و همواره همراه او خواهد بود.

دقت شود در مسیر آشنایی کودک با مفاهیم احکام، هدف صرفاً آشنایی با ظاهر حکم عبادی نیست، بلکه باید روح حاکم بر آن هم مورد توجه قرار گیرد؛ مثلاً یک نتیجه‌ی مهم حاصل از نماز جماعت یا مراسم حج، توجه به زیبایی و اهمیت فعالیت دسته‌جمعی و روحیه‌ی همیاری و مشارکت‌طلبی است.

استفاده از شیوه‌ی مسئله‌مداری (شیوه‌ی آموزش فعال): برای درونی کردن مفاهیم اخلاقی و دینی باید به کودک اجازه دهیم شخصاً در شکوفایی استعدادها مشارکت کند. کار مربی و والدین باید ایجاد فرصت‌هایی برای کشف و درک استدلال‌های منطقی کودک باشد. در این روش، به جای توصیه‌های مستقیم و نصیحت‌گونه، به کودک امکان پرسیدن می‌دهیم و سپس به او برای یافتن پاسخ کمک می‌کنیم. ثمره‌ی این بحث آن است که اولادگیری کودک در جریان یادگیری موجب عمیق‌تر و پایدارتر شدن آموخته‌های آنان می‌شود؛ ثانیاً فعالیت بیش‌تر در امر یادگیری در کودکان احساس خوب و خوشایندی ایجاد می‌کند که به‌ویژه برای درس دینی فوق‌العاده حائز اهمیت است.

مخاطب‌شناسی و توجه به آمادگی مخاطبان: توجه به ظرفیت‌های عقلانی و تفاوت‌های فردی و در نظر گرفتن سطح درک و فهم مخاطب در هنگام ارتباط با او و انتقال پیام‌های تربیتی و تناسب محتوای کلامی با گنجینه‌ی فهم مخاطب در پذیرش پیام‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

مربیان و والدین گرمی، نکته‌ی مهم و اساسی در آموزش مفاهیم اخلاقی ضرورت استفاده از موقعیت‌ها و فرصت‌های عینی و واقعی و نیز لزوم تکرار و تمرین و یادآوری مستمر آموخته‌هاست. بنابراین، بر والدین و مربیان لازم است با انجام دادن یادآوری‌ها و تمرین‌ها در شرایط مختلف و توجه به اتخاذ شیوه‌های درونی کردن مفاهیم اخلاقی امکان تثبیت عادات دینی و ارزش‌های اخلاقی مورد نظر را فراهم کنند.

در روش شکل‌گیری مفاهیم دینی و چگونگی فهم و درک آن‌ها در کودکان، در نظر گرفتن تأثیر آموزش بسیار مشکل است. به عبارت دیگر، با آن که خداجویی، در نظر علمای دین، مقوله‌ای فطری است، همه به تأثیر چشمگیر انواع آموزش‌ها در آن دارند و بر این باورند که میزان اعتقادات دینی و ثبات و قوام آن در بزرگسالی به میزان کارآمدی آموزش‌های دینی در دوران کودکی و شکوفایی فطرت بستگی دارد. این انتظار می‌رود با تربیت دینی کودکان جامعه‌ی اسلامی ما از باورهای غلط و مذموبی راسخ‌تر و استوارتری برخوردار شوند و برای انجام دادن دستورات دینی، عذر غیبتی و پابندی بیش‌تری نشان دهند.

کتاب حاضر، علاوه بر جریب متفاوت در آموزش مفاهیم و اصول دین، به کودکان، سعی دارد با استفاده از بازی و سبک‌های کاربردی موجب انس و نزدیکی کودکان با مفاهیم و اصول دینی شود.

در طراحی و نگارش مجموعه کتاب‌های «دوران آسمانی» اصول مهمی در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

- توجه به ویژگی‌های فطری و سرشت خداجویی کودکان در این دوره‌ی سنی؛ محور قرار گرفتن قرآن کریم، سنت و سیره‌ی معصومان صلوات‌الله‌علیهم؛
- توجه به رویکردهای جدید در تعلیم آموزه‌های دینی؛
- توجه به توانایی‌ها و محدودیت‌های رشد‌شناختی کودکان در این دوره‌ی سنی؛
- توجه به هنر، برای ترسیم چهره‌ی زیبای الگوهای دینی و ویژگی‌های خاص کتاب کودک؛

- بهره‌گیری از رهنمودهای استادان، مربیان و کارشناسان دوره‌ی پیش‌دبستانی و عالمان دین.

بر اساس اصول ذکر شده، سعی کرده‌ایم پیوندی میان مفاهیم و مهارت‌های زندگی با تجربه‌ها و واقعیت‌های ملموس پیرامون کودک برقرار کنیم و در کنار آن با بهره‌گیری از نقاشی، رنگ‌آمیزی، تصویرهای جذاب بارنگ‌های شاد، برجسته‌ها و ... علاوه بر ایجاد انواع مهارت‌ها برای کودک، بستری مناسب برای ارائه‌ی محتوای آموزشی فراهم کنیم؛ تا پاسخی مثبت و در شأن احساس، هیجان، حوصله و حس کنجکاوی کودک داده باشیم.

بی‌شک همه‌ی این امور جز در سایه‌ی الطاف الهی، همت، تلاش و هم‌فکری خالصانه‌ی یاران و دوستان عزیز امکان‌پذیر و میسر نبود. در پایان، از صمیم قلب منتظر انتقادهای و پیشنهادهای شما صاحب‌نظران، مربیان و والدین گرمی هستیم.

تربیت مسئله‌ای دقیق، ظریف و پیچیده است که نیازمند راهکارها و شیوه‌های دقیق، اصولی و نظام‌مند است. به‌ویژه اگر تربیت انسان مطرح باشد؛ انسانی که متفکر، آزاد و حقیقت‌جوست و حرکت به سمت کمال از ویژگی‌های ذاتی اوست. اهمیت تربیت انسان خداپاوار، آگاه، عزت‌مند و حق‌طلب بر کسی پوشیده نیست و البته شروع این تربیت از آغاز کودکی است. کودکی آغاز حرکت و تلاش هر انسان برای رسیدن به مقصد نهایی او در عالم هستی است. کودک هر کشور ارزشمندترین سرمایه‌های آن سرزمین‌اند. برای تربیت این سرمایه‌های گرانمایه برنامهریزی و ویژه‌ای هم لازم است.

چگونه می‌شود مفاهیم، عقاید و آموزه‌های دینی را درون کودک نهادینه، او را برای مسیر حرکت آینده‌اش آماده و در مقابل مشکلات تجهیز کرد؟

از آنجا که در این دوره‌ی سنی رفتار کودک خر‌دسال بسیار به محرک‌ها و عوامل بیرونی و محیطی او وابسته است و تحت تأثیر عوامل اجتماعی بیرونی کنترل و هدایت می‌شود، شاید مداومت و هم‌خوانی آموزه‌ها با رفتارهای مشاهده‌شده از سوی کودک به درونی‌سازی این مفاهیم کمک شایانی کند. برای رسیدن به این مقصود اتخاذ روش‌هایی ضروری می‌نماید:

تأکید بر دریافت‌های فطری (فطرت‌مداری): بنابراین معارف دینی، هر انسانی با فطرتی پاک به دنیا می‌آید و تنها روشی که می‌تواند انسان را به رستگاری برساند و استعدادها و واقعیاتش را شکوفا کند روش سازگار با فطرت و منطبق بر آن است. مهم‌ترین ویژگی فطری انسان گرایش به توحید و معرفت الهی است. بدین معنا که هم خود را به خالق وابسته می‌یابد و منبع همه‌ی کمالات است و هم گرایش به او ادراک می‌کند؛ که گرایش به سوی خبی‌ها و زیبایی‌هاست. اساسی‌ترین کار مربی آگاه زمینه‌سازی برای شکوفا شدن و بروز استعدادهای ذاتی او برای نیل به تمام خوبی‌هاست.

تقویت روحیه‌ی عزت و کرامت نفس: باید توجه داشت که تربیت امری اجباری نیست. مربیان و والدین باید زمینه و بستر تربیت فراهم کنند، اما انتخاب برای چگونه بودن بر عهده‌ی کودک است. مهم‌ترین اصل تربیت، دست‌کم، عزت و شرافت نفس است. حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «فرزند انسان را گرمی بدارید و آدابشان را نیکو گردانید». در واقع با اکرام و بربرگردانیدن کودک او را به خود حقیقی و فطری‌اش نزدیک می‌کنیم. وقتی کودک به خود حقیقی‌اش آشنا شود، حرکتی در جهت خلاف صیانت نفسش انجام نخواهد داد.

الگویابی: الگوها بهترین وسیله‌های کمکی فرد برای انتخاب‌هایش در مسیر تربیت‌اند. یکی از راه‌های درونی‌شدن ارزش‌های متعالی فراهم کردن شرایط است که فرد با میل درونی و از روی نیاز الگوهای مورد نظر خود را کشف کند. کار مربی و والدین عزیز، علاوه بر زمینه‌سازی و آماده کردن شرایط انتخاب، استفاده از روش الگویی به‌منزله‌ی طبیعی‌ترین و مؤثرترین وسیله برای انتقال ارزش‌های اخلاقی در خانواده است. اما توجه به چند نکته ضروری می‌نماید:

۱. چگونگی الگویابی: رسول گرمی اسلام (ص) فرمودند: «خدا رحمت‌کننده بر بنده‌ای که فرزندش را بر خوب‌شدنش یاری کند، بانیکی کردن به او و دوستی با وی و آموزش و تربیتش». از این بیان مشخص می‌شود کودک از کسی الگو می‌پذیرد که به او رغبت و میل داشته باشد. لذا اگر والدین می‌خواهند الگوی فرزند باشند، باید با ایجاد رابطه‌ی عمیق عاطفی و نیز عقلانیت و پختگی در رفتار، احساس امنیت و کشش را در کودک شکل دهند تا او به صورت طبیعی به آن‌ها رجوع داشته باشد.
۲. الگوگرایی تحمیلی: کلمه‌ی الگویابی اختیار در انتخاب الگو را می‌رساند، اما برخی از اولیا و مربیان از همان ابتدا سعی دارند کودک را مطابق با الگوهای ذهنی خودشان پرورش دهند؛ به‌گونه‌ای که با رفتارهای توصیه‌ای و حتی اجباری، کودک را به شباهت با کسانی وادار می‌کنند که از نظر آن‌ها مطلوب باشند. اما این الگودهی اجباری و تحمیلی اگر بر اساس شاکله و قابلیت‌های الگوپذیری شخصیت کودک نباشد، نه تنها ویژگی‌های مطلوب الگوی مورد نظر در کودک درونی نمی‌شود، بلکه موجب دوگانگی شخصیتی کودک هم می‌شود.

۳. تعارض الگوها: تفاهم نداشتن پدر و مادر یا همسو نبودن خانه و مدرسه باعث تعارض الگوها می‌شود، کودک را در تحیر و سرگردانی قرار می‌دهد و چه‌بسا موجب می‌شود اعتمادش را به بعضی ارزش‌ها از دست بدهد.

۴. الگویابی عملی: شاید مهم‌ترین نکته در مسیر الگویابی هماهنگی میان بیان و عمل الگوهای مورد نظر کودک باشد. چه‌بسا بهترین مسیر دعوت یک کودک به ارزش‌های اخلاقی، سکوت و نمایش عملی آن ارزش باشد. چنان که در بیان معصوم آمده است: «مردم را به نیکی دعوت کنید با روشی غیر زبانی»، که در واقع همان نشان دادن عملی ارزش‌های مورد نظر است. در این حالت، کودک به روشنی درمی‌یابد میان آنچه مربی یا والدین به‌منزله‌ی الگو به او می‌گویند با رفتارهایشان مطابقت کامل وجود دارد. به همین دلیل، پذیرش آن برایش زیباتر و درونی‌تر می‌شود.

تقویت احساس نیاز به دین: برنامه‌ی درسی و آموزش‌های دینی باید به‌گونه‌ای